

آیا اختلاس مالی با دستگیری متهمان به پایان می‌رسد؟

هورمون فساد



بهناز مقدسی
روزنامه نگار

برداشت اول

داستان را می‌شود از «پدیده شاناندریز» شروع کرد؛ از محسن پهلوان که چند سال پیش کارش را با تأسیس یک رستوران در شهرستان شاناندریز شروع کرد و بعدها به قول خودش فرزندی که زاییده بود را بزرگ کرد. آن هم چه بزرگ کردنی انگار یک امپول هورمون را فرو کرد در رستوران. شرکت توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاناندریز که هجدهم بهمن ماه سال ۸۳ تحت‌نام شرکت سرمایه‌گذاری کاوشگران سهام (سهامی عام) به ثبت رسید چنان سرمایه‌های برهم زد که یک مرداد ماه سال ۸۸ با حضور سهامداران سرمایه‌اش ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد. همان موقع بود که فروش سهام این شرکت در کشور غوغا به پا کرد و تبلیغات گسترده‌اش توجه مردم را برای سرمایه‌گذاری در پدیده شاناندریز جلب کرد. روی کار آمدن دولت روحانی اما پایان روزهای خوش این پدیده نادر بود و خیلی زود از گوشه‌گوشه فسادهای مالی این شرکت پرده برداشته شد و «پهلوان» ماند با اتهامی به اندازه ۹۴ هزار میلیارد اختلاس.

اگرچه بعد از گزارش‌هایی از جرایم و تخلفات پدیده شاناندریز دفتر فروش سهام آن در مشهد و برخی شهرهای بزرگ ایران پلمب و خالق آن بازداشت و روانه زندان شد اما شخصیت حقوقی که همان «پدیده شاناندریز» است به قوت خودش باقی ماند، چراکه سرمایه خوابیده و بیگاری تعدادی از شاغلان، دولتمردان را مجاب کرده تا با تعیین هیات‌مدیره‌ای جدید برای کمک به رفع مشکل این شرکت وارد عمل شوند.

برداشت دوم

بایک زنجانی در آستانه اعدام است و هنوز تکلیف بسیاری از املاک و اموال او مشخص نیست. در پرونده فساد مالی که زنجانی در دهه گذشته انجام داده بود افراد زیادی پشت‌سر او بودند که هرگز پایشان به پرونده او باز نشد و در

کنار همه اینها خیلی از شرکت‌ها و موسساتی که رد زنجانی در آنها دیده می‌شد همچنان به کارشان ادامه می‌دهند. این که چه کسانی به او اجازه رشد در فساد دادند و چه کسانی پس از آن از او حمایت کردند همچنان در سطر به‌سطر پرونده او وجود دارد. مشابه این وضع در ماجرای صندوق فرهنگیان نیز دیده می‌شود. شائبه اختلاس در این صندوق چنان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد که هنوز هم حواشی آن ادامه دارد و تکلیف مشخص نشده است. اینها نمونه‌هایی از ابعاد فسادهای مالی است که دامن سیاست و اقتصاد کشور را لکه‌دار کرد و حالا پای فرهنگ نیز به میان آمده است. بعد از دستگیری محمد امینی حتی پروژه شهزاد هم با مشکل مواجه شد. دامنه این مشکل به جایی رسید که یکی از سریال‌های محبوب شبکه خانگی در این سال‌ها، دستخوش حواشی فراوان شد، از مصاحبه تند شریک سابق امامی، رضوی گرفته تا پاسخگویی عوامل این سریال.

حتی پهای کارگردان هم به ماجرا باز و مجبور به پاسخگویی شد. پس از آن دست‌اندر کاران سریال از جمله ترانه علیدوستی هم در اینستاگرام خود درگیر حواشی شدند. در واقع ابعاد این اختلاس چنان بود که شعله آن دامن فرهنگ را هم گرفت. حالا هم کمیپنی به راه افتاده علیه این سریال که هفته گذشته دست‌اندر کارانش را مجبور کرد در نشریات به آن پاسخ بگویند. در واقع رویارویی مخالفان و موافقان ادامه این سریال، نه تنها ابعدی فرهنگی دارد، بلکه تبدیل به یک تنش اجتماعی شده است. آنها که اعتقاد دارند شائبه پولشویی در این جریان وجود دارد و آنها که بر این باور هستند باید تا روشن شدن قطعی، دست نگه داشت و همچنان کار را دنبال کرد.

دوران طلایی تا خاکستری مدیران شرکت هواپیمایی قشم در سال ۱۳۷۲ با اجاره کردن هواپیما فعالیت پروازی خود را با نام فراز قشم شروع کرد. سال ۸۸ شرکت «هولدیینگ

توسعه سورینت قشم» متعلق به بایک زنجانی مالک این شرکت شد. در این دوره این شرکت با وارد کردن هواپیمای جدید و استخدام نیروی کار جوان توانست جایگاه خود را در ایران بالا ببرد و با هواپیمای دوربرد و میان‌برد مقاصد جدیدی به مقاصد خود بیفزاید. این روند با دستگیری بایک زنجانی پایان یافت و این شرکت به جای بدهی‌های باسک زنجانی به شرکت ملی نفت ایران، به وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران واگذار شد. این در حالی است که در پرونده افرادی مانند شهرام جزایری یا مآفرید خسروی بسیاری از شرکت‌های مهم پلمب شدند و سرنوشت فعالیت‌ها و هزاران کارگر و بیکارشان به خط پایان رسید. این‌جا همان تضاد به وجود می‌آید که ماهیتش کاملا مشخص نیست. مجازاتی که گاهی تنها شامل یک شخص حقیقی شده و گاهی شخصیت‌های حقوقی

و مجازات مدیرشان نابود شده و از بین می‌روند. این که چرا برخی از شرکت‌ها و موسسات که فساد مالی، اختلاس‌ها و حقوق‌های نجومی مدیران‌شان بر ملا می‌شود با مجازات شخصیت حقیقی مجموعه، قابل ترمیم هستند

هم با مجازات مدیرشان نابود شده و از بین می‌روند. این که چرا برخی از شرکت‌ها و موسسات که فساد مالی، اختلاس‌ها و حقوق‌های نجومی مدیران‌شان بر ملا می‌شود با مجازات شخصیت حقیقی مجموعه، قابل ترمیم هستند، سوال گزارش امروز صفحه یک «پرسش چند پاسخ» است. چرا در برخی از پرونده‌ها جایگاه اختلاسگران با واگذاری به بخشی دیگر یا تغییر مدیریت به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند اما برخی بیخ‌وبین‌شان هم از بین می‌رود جوری که انگار هیچ‌وقت نه انسانی بوده، نه اسکناسی.



کیدی

طرح: هادی جیدری

تکلیف شخصیت حقوقی در قانون تجارت مشخص است

یا سر سنایی | حقوقدان

با این حال مسأله مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای عمومی، بحثی است که همواره وجود داشته و در بسار آن اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد. بعضی‌ها حایات شخص حقوقی را فرضی می‌دانند و معتقدند نوع فعالیت‌های یک موسسه تکلیف رفتار آن را مشخص می‌کند. برخی نیز شخصیت حقوقی را یک واقعیت اجتماعی می‌نامند و برای آن حق و تکلیف مشخصی قابل می‌شوند. با این حال در بعضی از ماده‌های قانون تجارت از مجازات شرکت‌ها و جزای نقدی صحبت و تکلیف این نوع شرکت‌ها و موسسات کاملا شفاف‌سازی شده است.

مدیران شرکت رفتار مجرمانه داشته باشد نمی‌توان کل یک شرکت و هیات‌مدیره را تا قبل از اثبات جرم‌شان زیر سوال برد. اما اگر این موضوع که شخصیت حقوقی نیز مسئول فساد مالی بوده، اثبات شود طبق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. در نتیجه این امر به مجازات‌های گوناگونی از جمله انحلال شخص حقوقی، مصادره اموال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، جزای نقدی، انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها محکوم خواهد شد.

تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. بر اساس ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.»

با این حال شخص حقوقی را نمی‌توان مانند شخص حقیقی مجازات کرد، یعنی در قانون اگر حبس، اشد مجازات، اعدام و غیره برای مجازات شخص حقیقی که دست به فساد مالی یا اختلاس زده، قابل اجراست اما در این نوع مجازات‌ها شامل شخصیت حقوقی یک شرکت نمی‌شود. اگر تنها یکی از

است. دلیل این امر نیز کاملا واضح است، چرا که ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی در واقع سهمی در اداره کشور دارند و نمی‌توان به راحتی آنها را تعطیل کرد.

جرم عبارت از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده و مسئول این رفتار مجرمانه معمولا یک شخص دارای اراده و عقل است. در مقابل این شخصیت حقیقی یک شرکت یا موسسه‌ای قرار دارد که از آن به‌عنوان شخصیت حقوقی یاد می‌شود و به تنهایی فاقد اراده و رفتار مجرمانه است. اگر جرم توسط مدیر یک شرکت صورت بگیرد خوانده‌ناخواه دامنه این رفتار، شخصیت حقوقی شرکت را نیز

در همه کشورهای جهان اگر از طرف مدیریت یک سازمان اختلاس یا فساد اتفاق بیفتد، این فرد از سمت خود اخراج شده و بسند به نوع تخلفات در پرونده‌اش مطابق با قانون آن کشور مجازات خواهد شد. در همه جای جهان مدیران سازمان‌ها در دو سطح قرار دارند یا مدیران سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی هستند یا مدیر شرکت یا بخش خصوصی. این موضوع در نوع مجازات شخصیت حقیقی و حقوقی پرونده تاثیر گذار است. به این معنی که نمی‌توان به‌خاطر تخلف یا فساد مالی یک مدیر دولتی کل مجموعه او را نیز پلمب کرد اما در شرکت‌های خصوصی تا حدود زیادی این امر امکان‌پذیر

نظارت یکسان بر سیستم‌های فاسد

عبدالصمد خرمشاهی | وکیل دادگستری



سرمایه آنها یکی از دلایل ادامه روند کار یک شرکت است که جرم شخصیت حقوقی آن اثبات نشده، هر چند باز هم عدم نظارت و تیبانی دست‌های پنهانی در این پرونده‌ها ممکن است روند بقای یک شرکت را که دچار فساد سیستمی شده حفظ کند و به نفع مردم جامعه نباشد.

قانون شفاف و روشن است و اگر در پرونده‌های فساد با همه یکسان برخورد یا طبق گزارشات بازرس و نظارت دقیق حکم متناسب با جرم صادر شود می‌توان امیدوار بود که مشکلات فسادهای مالی خرد و کلان در کشور کم‌رنگ خواهد شد. به همین خاطر است که بحث نظارت، کنترل و گزارشات سازمان‌های نظارتی به روند فعالیت‌های یک شرکت بسیار مهم است. اتفاقی که اگر در ابتدای فعالیت یک موسسه همواره و به‌طور مستمر باشد قطعا باگ‌های رشد فساد نیز در آن کمتر و سخت‌تر انجام خواهد شد، اگر اینگونه نباشد نتیجه‌اش رشد فساد در سیستم شرکت‌هایی می‌شود که پتانسیل انجام جرم را دارند.

شرکت‌ها و موسساتی که به صورت قانونی در کشور تشکیل می‌شوند نمی‌توانند از زیر مجموعه مقررات قانون تجارت خارج شوند. در واقع شرکت‌ها و موسساتی که ثبت قانونی شده‌اند همان شرکت‌های سهام عام یا خاص، مختلط، نسبی، تضامنی و غیره هستند که به نسبت ثبت قانونی‌شان به همان اندازه نیز در قانون برایشان موارد قانونی پیش‌بینی شده است. در قانون تجارت حاکم، تمامی واردات و زوایای تشکیل تا انحلال شرکت‌ها پیش‌بینی شده بنابراین قانون تجارت به نحوه سود و زیان، بازرسی و اقدامات شرکت‌ها به تفکیک اشاره کرده و ما از این لحاظ خلأ قانونی نداریم.

حتی در قانون مجازات اسلامی بحث مجازات اشخاص حقوقی نیز مطرح شده است. به همین خاطر نه در نحوه تنبیه شخصیت حقوقی و نه در نداشتن قانونی شفاف در این باره دچار مشکل نیستیم. آن چیزی که در رابطه با پرونده‌های فساد مالی یا اختلاس‌ها اتفاق می‌افتد شاید به نحوه بازرسی و بررسی سود و زیان‌ها برگردد. به این معنی که گاهی نمی‌توان اثبات کرد شخصیت حقوقی یک پرونده فساد نیز دچار فساد سیستمی بوده، و به دلیل عدم وجود مدارک کافی نمی‌توان این شرکت را متحمل کرد.

پس با این تعریف که ما خلأ قانونی در رابطه با برخورد بعد از اثبات جرم نداریم می‌توان گفت شاید در برخی از پرونده‌ها نظارت لازم صورت نمی‌گیرد. از طرف دیگر دست‌های پشت پرده و تیبانی‌هایی که صورت می‌گیرد می‌تواند روند رسیدگی به پرونده را عوض کند. در برخی از پرونده‌ها که با دستگیر شدن متهم اصلی یک فساد مالی شرکتی همچنان به قوت خودش باقی است دلایل مختلفی وجود دارد. لطمه وارد شدن به اعتماد عمومی مردم یا بازگرداندن

جبران ضرر و زیان‌های مالی

آلبرت بغزیان | اقتصاددان و استاد دانشگاه



فساد مالی ابعاد گسترده و وسیعی دارد و در واقع وقتی بر ملا می‌شود درست مثل یک لکه سیاه آبرو و حیثیت را لکه‌دار می‌کند. اما این که این فساد در چه سیستم و شرکتی و با چه میزانی اتفاق می‌افتد، در روند رسیدگی به پرونده و تشخیص میزان جرم و افراد دخیل در ارتکاب آن بسیار حایز اهمیت است.

سازمان‌های نظارتی باید مانع رشد و پیشروی فساد مالی شوند. در واقع آنها باید صحت فعالیت‌ها و سالم بودن سیستم‌های اداری را کنترل کنند. جرم فساد مالی یا اختلاس وقتی محقق می‌شود که دیگر کار از کار گذشته است. از دست رفتن اعتماد اجتماعی از یک سو و نابسامانی در اداره این شرکت‌ها بعد از کشف جرم نتیجه‌ای است که به خاطر عدم نظارت به دست می‌آید. زود کشف کردن فساد می‌تواند بسیاری از مشکلات بعدی پرونده‌های فساد را حل کند، چرا که صرف‌شدن زمان فرصت فرار، انکار و از بین رفتن آثار جرم را در پی خواهد داشت.

مشخص کردن شاخه‌های فساد و شناسایی علت‌ها می‌تواند راه مبارزه با فساد در شرکت‌ها و ادارات دولتی و خصوصی باشد. با این حال وقتی در واحدهای تولیدی و شرکت‌هایی که اشتغالزایی کرده و به نوعی به چرخه اقتصادی کشور کمک می‌کنند، فساد از طرف مدیریت محرز می‌شود، تصمیم‌گیری در رابطه با انحلال این شرکت بسیار سخت است. اگرچه در قانون صراحتا مشخص شده که اگر جرم شخصیت حقوقی این شرکت‌ها مشخص شود باید منحل شوند اما گاهی اوقات تبعات سنگین بیکار شدن تعدادی کارگر و شاغل یا از دست رفتن سرمایه باعث می‌شود در این سیستم‌ها تغییرات مدیریتی ایجاد شود.

چه‌بسا این اتفاق گاهی در رابطه با برخی از شرکت‌ها می‌تواند به سمت موفقیت هم پیش برود و سیستم‌شان از انجمنی‌هایی که در آن

گرفتار شده بود، نجات دهد. اما در رابطه با شرکت‌هایی که بخشی از پول مردم را تصرف کرده‌اند، زمین‌ها و ساختمان‌هایشان غیرقانونی تصرف شده و غیره نمی‌توان چنین آینده روشنی را متصور بود. در نهایت برخی از این شرکت‌ها با تغییر مدیریت و تأمین منابع جدید سمت‌وسوی تولید به خود می‌گیرند و دارای‌هایی را از رکود نجات می‌دهند اما برخی از آنها همانند زمان حیات‌شان هیچ‌باری را نه از روی اقتصاد مملکت بومی دارند و نه از دوش طلبکاران‌شان. به همین خاطر بهتر است دولت با مصادره و فروش آنها بتواند رد مال کرده و بخشی از سرمایه‌های از دست‌رفته مردم را به آنها برگرداند. بنابراین نمی‌توان در رابطه با همه پرونده‌های فساد مالی و اداری در شرکت‌ها و موسسات یک نسخه مشابه پیچید. این وظیفه بر دوش قاضی دادگاه است که با مطالعه دقیق پرونده فسادهای مالی، نکات مبهم و آشکار پرونده را مطابق با جرمی که اتفاق افتاده است، بررسی کند، سپس با این بررسی دقیق حکمی صادر شود که در آن مجرم مجازات شده و در کنار آن ضرر و زیان‌هایی که به مردم و بدنه جامعه وارد شده، جبران شود.